

| | English question | ترجمه سوال |
|-----------------|---|---|
| Autonomy | Work Scheduling Autonomy | استقلال در زمانبندی کار |
| | 1. The job allows me to make my own decisions about how to schedule my work. | 1. این شغل به من اجازه می دهد تا خودم درباره <u>برنامه زمانی</u> کارم تصمیم گیری کنم. |
| | 2. The job allows me to decide on the order in which things are done on the job. | 2. این شغل به من اجازه می دهد تا درباره <u>ترتیب و توالی کارم</u> تصمیم گیری کنم. |
| | 3. The job allows me to plan how I do my work. | 3. این شغل به من اجازه می دهد تا درباره <u>چگونگی انجام کارم</u> برنامه ریزی زمانی کنم. |
| | Decision-Making Autonomy | استقلال در تصمیم گیری |
| | The job gives me a chance to use my personal initiative or judgment in carrying out the work. | 1. این شغل به من فرصتی برای استفاده از <u>خلاقیت</u> یا ابتکار عمل در انجام کار می دهد. |
| | 2. The job allows me to make a lot of decisions on my own. | 2. این شغل به من اجازه می دهد که اغلب تصمیمات مرتبط با شغلم را خودم بگیرم. |
| | 3. The job provides me with significant autonomy in making decisions. | 3. این شغل به گونه ای است که در تصمیم گیری های مرتبط با آن، می توانم مستقلانه عمل کنم. |
| | Work Methods Autonomy | استقلال در روش های کاری |
| | 1. The job allows me to make decisions about what methods I use to complete my work. | 1. این شغل به من اجازه می دهد در مورد روش تکمیل کارم تصمیم گیری کنم. |
| | 2. The job gives me considerable opportunity for independence and freedom in how I do the work. | 2. این شغل به من فرصتی برای استقلال و آزادی عمل در نحوه کار می دهد. |
| | 3. The job allows me to decide on my own how to go about doing my work. | 3. این شغل به من اجازه می دهد تا خودم تصمیم بگیرم چگونه کارم را انجام دهم. |

| | English question | ترجمه سوال |
|----------------------------------|---|--|
| Task variety تنوع وظایف | 1. The job involves a great deal of task variety. | 1. تنوع وظایف کاری این شغل زیاد است. |
| | 2. The job involves doing a number of different things. | 2. این شغل شامل انجام چندین چیز مختلف می‌شود. |
| | 3. The job requires the performance of a wide range of tasks. | 3. این شغل نیاز به انجام طیف وسیعی از وظایف دارد. |
| | 4. The job involves performing a variety of tasks. | 4. این شغل شامل انجام وظایف گوناگونی است. |
| Task Significance اهمیت وظیفه | 1. The results of my work are likely to significantly affect the lives of other people. | 1. نتایج کار من احتمالاً به‌طور قابل توجهی بر زندگی دیگران تأثیر می‌گذارد. |
| | 2. The job itself is very significant and important in the broader scheme of things. | 2. به‌طور کلی می‌توان گفت شغل من معنی‌دار و مهم است. |
| | 3. The job has a large impact on people outside the organization. | 3. این شغل تأثیر زیادی بر افراد خارج از سازمان دارد. |
| | 4. The work performed on the job has a significant impact on people outside the organization. | 4. کار انجام شده در این شغل تأثیر قابل توجهی بر افراد خارج از سازمان دارد. |
| Task Identity هویت وظیفه | 1. The job involves completing a piece of work that has an obvious beginning and end. | 1. این شغل شامل تکمیل یک بخش کار است که آغاز و پایان آن واضح است. |
| | 2. The job is arranged so that I can do an entire piece of work from beginning to end. | 2. چیدمان این شغل به گونه‌ای است که من می‌توانم یک بخش کامل از کار را از ابتدا تا انتها انجام دهم. |
| | 3. The job provides me the chance to completely finish the pieces of work I begin. | 3. این شغل فرصتی را برایم فراهم می‌کند تا کاملاً کاری را که شروع کردم به پایان برسانم. |
| | 4. The job allows me to complete work I start. | 4. این شغل به من اجازه می‌دهد کاری که شروع کرده‌ام را کامل کنم. |
| | English question | ترجمه سوال |

| | | |
|---|---|--|
| Feedback From Job بازخورد شغلی | 1.The work activities themselves provide direct and clear information about the effectiveness (e.g., quality and quantity) of my job performance. | 1- خود فعالیت های کاری، اطلاعات مستقیم و روشنی در مورد اثربخشی (مثلا کیفیت و کمیت) عملکرد شغلی من فراهم می‌کنند. |
| | | |
| | 2. The job itself provides feedback on my performance. | 2. خود این شغل در مورد عملکردم به من بازخورد می‌دهد. |
| | | |
| | 3.The job itself provides me with information about my performance. | 3- خود شغل اطلاعاتی در مورد عملکردم فراهم می‌کند. |
| | | |

| | English question | ترجمه سوال |
|--|--|--|
| پیچیدگی شغلی Job Complexity | 1.The job requires that I only do one task or activity at a time (reverse scored). | 1. این شغل مستلزم آن است که من در یک زمان فقط یک وظیفه یا فعالیت را انجام دهم. |
| | 2. The tasks on the job are simple and uncomplicated (reverse scored). | 2. وظایف این شغل ساده و غیر پیچیده هستند. |
| | 3. The job comprises relatively uncomplicated tasks (reverse scored). | 3. این شغل شامل وظایف نسبتاً غیر پیچیده است. |
| | 4. The job involves performing relatively simple tasks (reverse scored). | 4. این شغل شامل انجام وظایف نسبتاً ساده است. |
| پردازش اطلاعات Information Processing | 1. The job requires me to monitor a great deal of information. | 1. این شغل نیاز دارد تا من بر اطلاعات زیادی نظارت کنم. |
| | 2. The job requires that I engage in a large amount of thinking. | 2. در این شغل نیاز به کار فکری زیادی دارد. |
| | 3.The job requires me to keep track of more than one thing at a time. | 3. این شغل نیاز دارد تا هم زمان بیش از یک مورد را پیگیری کنم. |
| | 4.The job requires me to analyze a lot of information. | 4. این شغل نیاز دارد که من تجزیه و تحلیل اطلاعات زیادی انجام بدهم. |
| حل مشکل Problem Solving | 1.The job involves solving problems that have no obvious correct answer. | 1. این شغل شامل حل مسائلی است که پاسخ صحیح واضحی ندارند. |
| | 2.The job requires me to be creative. | 2. این شغل نیاز به خلاقیت دارد. |
| | 3.The job often involves dealing with problems that I have not met before. | 3. این شغل اغلب شامل برخورد با مشکلاتی است که من قبلاً با آنها مواجهه نداشتم. |
| | 4.The job requires unique ideas or solutions to problems. | 4. این شغل نیاز به ایده‌ها یا راه‌حل‌های منحصر به‌فرد برای مشکلات دارد. |

| | English question | ترجمه سوال |
|--|--|--|
| Skill Variety تنوع مهارت | 1. The job requires a variety of skills. | 1. این شغل نیاز به مهارت های متنوعی دارد. |
| | 2. The job requires me to utilize a variety of different skills in order to complete the work. | 2. در این شغل برای تکمیل کار نیاز است که من از انواع مهارت های مختلف استفاده کنم. |
| | 3. The job requires me to use a number of complex or high-level skills. | 3. در این شغل نیاز است که من از تعدادی مهارت های پیچیده یا سطح بالا استفاده کنم. |
| | 4. The job requires the use of a number of skills. | 4. در این شغل نیاز است که من از <u>تعدادی</u> مهارت استفاده کنم. |
| Specialization تخصص گرایی (تخصص شدن) | 1. The job is highly specialized in terms of purpose, tasks, or activities. | 1. این شغل از نظر هدف، وظایف یا فعالیت ها بسیار تخصصی است. |
| | 2. The tools, procedures, materials, and so forth used on this job are highly specialized in terms of purpose. | 2. ابزار، روش ها، مواد و امثال این ها که در این شغل استفاده می شود به شدت تخصصی هستند. |
| | 3. The job requires very specialized knowledge and skills. | 3. این شغل نیاز به دانش و مهارت های بسیار تخصصی دارد. |
| | 4. The job requires a depth of knowledge and expertise. | 4. این شغل نیاز به دانش عمیق و تخصص دارد. |

Social Characteristics

| | English question | ترجمه سوال |
|---|--|---|
| Social Support | 1. I have the opportunity to develop close friendships in my job. | 1. در شغل امکان ایجاد رابطه صمیمانه وجود دارد. |
| | 2. I have the chance in my job to get to know other people. | 2. من در شغل فرصت آشنایی و دوستی با دیگر افراد را دارم. |
| | 3. I have the opportunity to meet with others in my work. | 3. من در شغل برای ملاقات با دیگران فرصت دارم. |
| | 4. My supervisor is concerned about the welfare of the people that work for him/her. | 4. سرپرست من نگران رفاه افرادی است که برای او کار می‌کنند. |
| | 5. People I work with take a personal interest in me. | 5. افرادی که با آنها کار می‌کنم من را دوست دارند. |
| | 6. People I work with are friendly. | 6. افرادی که با آنها کار می‌کنم با من رابطه دوستانه دارند. |
| حمایت اجتماعی | Initiated Interdependence | وابستگی ابتدایی |
| | 1. The job requires me to accomplish my job before others complete their job. | 1. این شغل نیاز دارد که من کارم را قبل از کامل کردن کار دیگران انجام دهم. |
| | 2. Other jobs depend directly on my job. | 2. مشاغل دیگر به‌طور مستقیم به کار من بستگی دارند. |
| | Unless my job gets done, other jobs cannot be completed. | 3. تا زمانی که کار من انجام نشود، مشاغل دیگر نمی‌توانند تکمیل شوند. |
| | Received Interdependence | وابستگی دریافت شده |
| | 1. The job activities are greatly affected by the work of other people. | 1. فعالیت‌های این شغل به شدت تحت تاثیر کار افراد دیگر است. |
| 2. The job depends on the work of many different people for its completion. | 2. تکمیل این شغل وابسته به کار بسیاری از افراد مختلف است. | |
| وابستگی متقابل | 3. My job cannot be done unless others do their work. | 3. کار من نمی‌تواند انجام شود مگر اینکه دیگران کار خود را انجام دهند. |

| | English question | ترجمه سوال |
|---|--|--|
| Interaction Outside Organization تعاملات خارج از سازمانی | 1. The job requires spending a great deal of time with people outside my organization. | 1. این شغل نیاز به صرف وقت زیادی با افراد خارج از سازمانم دارد. |
| | 2. The job involves interaction with people who are not members of my organization. | 2. این شغل شامل تعامل با افراد غیر عضو سازمانم است. |
| | 3. On the job, I frequently communicate with people who do not work for the same organization as I do. | 3. در این شغل، من اغلب با افرادی ارتباط دارم که برای سازمانی مشابه سازمان من کار نمی‌کنند. |
| | 4. The job involves a great deal of interaction with people outside my organization. | 4. این شغل شامل تعامل زیادی با افراد خارج از سازمانم است. |
| | | |
| | | |
| | | |
| Feedback From Others بازخورد از دیگران | 1. I receive a great deal of information from my manager and coworkers about my job performance. | 1. من در مورد عملکرد شغلیم اطلاعات زیادی از مدیر و همکارانم دریافت می‌کنم. |
| | 2. Other people in the organization, such as managers and coworkers, provide information about the effectiveness (e.g., quality and quantity) of my job performance. | 2. سایر افراد در سازمان، از جمله مدیران و همکاران، <u>اطلاعاتی در مورد اثربخشی (مثلا کیفیت و کمیت) عملکرد شغلیم ارائه می‌دهند.</u> |
| | 3. I receive feedback on my performance from other people in my organization (such as my manager or coworkers). | 3. من در مورد عملکردم از سایر افراد سازمان (نظیر مدیر یا همکارانم) <u>بازخورد</u> دریافت می‌کنم. |

Work Context

| | English question | ترجمه سوال |
|-------------------------------------|--|--|
| Ergonomics ارگونومی | 1. The seating arrangements on the job are adequate (e.g., ample opportunities to sit, comfortable chairs, good postural support). | 1. چیدمان مکان‌های نشستن در محل کار مناسب است (به عنوان مثال: موقعیت‌های زیادی برای نشستن، صندلی‌های راحت، حمایت خوب از وضعیت بدن) |
| | 2. The work place allows for all size differences between people in terms of clearance, reach, eye height, leg room, etc. | 2. محل کار برای افرادی با اندازه‌های مختلف از لحاظ فضای اضافی، دسترسی، ارتفاع چشم، فضای مناسب پا و غیره در نظر گرفته شده است. |
| | 3. The job involves excessive reaching (reverse scored). | 3. این شغل نیاز به حد دسترسی بیش از حد دارد. |
| Physical Demands نیازهای فیزیکی | 1. The job requires a great deal of muscular endurance. | 1. این شغل نیاز به <u>استقامت عضلانی</u> زیادی دارد. |
| | 2. The job requires a great deal of muscular strength. | 2. این شغل نیاز به <u>قدرت عضلانی</u> زیادی دارد. |
| | 3. The job requires a lot of physical effort. | 3. این شغل نیاز به تلاش فیزیکی زیادی دارد. |
| Work Conditions شرایط کاری | 1. The work place is free from excessive noise. | 1. محل کار عاری از سر و صدای بیش از حد است. |
| | 2. The climate at the work place is comfortable in terms of temperature and humidity. | 2. آب و هوا در محل کار از نظر درجه حرارت و رطوبت راحت است. |
| | 3. The job has a low risk of accident. | 3. در این شغل ریسک حوادث پایین است. |
| | 4. The job takes place in an environment free from health hazards (e.g., chemicals, fumes, etc.). | 4. این شغل در محیطی عاری از خطرات بهداشتی (از جمله مواد شیمیایی، بخار و ...) انجام می‌شود. |
| | 5. The job occurs in a clean environment. | 5. این شغل در محیطی تمیز انجام می‌شود. |
| Equipment Use استفاده از تجهیزات | 1. The job involves the use of a variety of different equipment. | 1. این شغل شامل استفاده از انواع مختلفی از تجهیزات می‌باشد. |
| | 2. The job involves the use of complex equipment or technology. | 2. این شغل شامل استفاده از تجهیزات یا فناوری پیچیده است. |
| | 3. A lot of time was required to learn the equipment used on the job. | 3. برای یادگیری کار با تجهیزات مورد استفاده در محل کار، به زمان زیادی نیاز است. |